

## فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال هشتم - تابستان 1405 - شماره 26 - ص 14-31

### بررسی موقف میزان اعمال در قیامت با تکیه بر آیات و روایات اسلامی

سولماز عبیری<sup>1</sup>

#### چکیده

«قیامت» یا روز رستاخیز و برانگیخته شدن پس از مرگ، امری مسلم و از ضروریات دین است، که در آن روز سرنوشت اعمال انسان مشخص می‌گردد و وعده گاهی حتمی برای انسان‌هاست. البته عالم قیامت دارای مراحل و عقبات متعددی است و این موضوع از جهت این که می‌تواند موجب جلوگیری از کج روی‌ها و انحرافات اخلاقی در فرد و جامعه گردد و در یک کلام مربی و مهذب فرد و جامعه‌ی انسانی باشد پس بحث از آن ضروری است. در پژوهش حاضر به بحث میزان در قیامت به انضمام شهود و گواهان در روز قیامت پرداخته شده است. لذا در این بحث برآنیم که حقیقت میزان در قیامت را با توجه به روایات بیان کنیم مقاله حاضر از حیث ماهیت، توصیفی بوده و جمع‌آوری مطالب آن به صورت کتابخانه‌ای و از حیث موضوع دینی است.

واژگان کلیدی: مرحله، قیامت، نفخ، صور، اعمال، موقف

---

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

## مقدمه

از امور مربوط به روز رستاخیز، مسأله ی «میزان» است و اینکه اعمال انسان ها از خوب و بد «توزین» می شوند، وجود میزان در سرای دیگر مورد تنصیح وحی و مورد اتفاق متکلمان و احادیث اسلامی می باشد، از این جهت اعتقاد به اصل میزان در سرای دیگر قابل انکار نیست. با توجه به اینکه اعتقاد به معاد و قیامت جزء یکی از مسائل مسلم اعتقادی مسلمانان است، مقاله حاضر می تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار علاقه مندان قرار دهد و نقش بسزایی در افزایش ایمان و عمل صالح و غفلت زادی داشته باشد و همچنین زمینه را برای تحقیقات گسترده تر پژوهشگران فراهم نماید

میزان ابزار سنجش است و هر چیز را با میزان متناسب با آن چیز می سنجند لذا در این بحث برآنیم که حقیقت میزان در قیامت را با توجه به آیات و روایات بیان کنیم و همچنین عواملی که موجب ثقل میزان است ذکر خواهد شد و در ادامه ی بحث نکات برجسته ای که از روایات میزان به دست می آید بیان خواهد شد.

## میزان در آیات قرآن و تفسیر روایی آیات

آیات وارد در این مورد به دو گروه تقسیم می شوند. برخی در صدد بیان اصل وجود «میزان» است و برخی دیگر در صدد بیان نتیجه ی آن می باشد که هر دو گروه را در این جا ذکر می کنیم.

1. «وَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ»<sup>1</sup>؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم و کافی است که ما حساب کننده باشیم!»

«الموازین» در آیه، جمع «میزان» است و خود می رساند که میزان هایی در روز رستاخیز نصب می شود و صفت این نوع میزان این است که نشان دهنده ی عدل و داد الهی در سنجش است. و در نتیجه، این آیه ناظر به اصل وجود میزان است.<sup>2</sup>

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: ترازوهای قسط و عدالت در روز قیامت، عبارتند از پیامبران و او صیاء (علیهم السلام): «هُمْ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ»<sup>3</sup>. بنابراین، عقاید و

1. سوره انبیاء، آیه 47.

2. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج5، چاپ اول، قم: مؤسسه ی امام صادق (علیه السلام)، 1383، ص 460.

3. محمد محسن، فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج1، همان، ص 565.

اخلاق و اعمال انسان ها را با عقاید و اخلاق پیامبران و او صیای آنان ارزیابی کرده و می‌سنجند.<sup>1</sup>

و اینک آیاتی که نتیجه ی برپایی میزان را یادآور می‌شوند و غالباً آیات مربوط به میزان ناظر به این قسمت است:

2. «فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ لِلَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»<sup>2</sup>؛ و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند!<sup>3</sup> و<sup>4</sup>

3. «فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ \* وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ \* فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ»<sup>5</sup>؛ اما کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، در یک زندگی خوشنودکننده خواهد بود! اما کسی که ترازوهایش سبک است، پناهگاهش «هاویه» [دوزخ] است!<sup>6</sup>

4. «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ»<sup>7</sup>؛ وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حق است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، بخاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می‌کردند، از دست داده‌اند.<sup>8</sup> و<sup>9</sup>

1. عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، ج 5، همان، ص 201.

2. سوره مومنون، آیات 102-103.

3. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، همان کتاب، ج 3، ص 563.

4. همان، ص 565.

5. سوره قارعه، آیات 6-9.

6. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، نورالثقلین، ج 5، همان، ص 658.

7. سوره اعراف، آیات 8-9.

8. علی بن ابراهیم، القمی، تفسیر القمی، ج 1، همان، ص 224.

9. رک: محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 8، همان، صص 19 و 11.

5. «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا»؛ آنها که سانی هستند که به آیات پروردگار شان و لقای او کافر شدند به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد!<sup>۳ و ۲</sup>

**حقیقت میزان در قیامت**

حال برای روشن شدن واقعیت میزان در قیامت باید به دو مطلب اشاره شود:

### الف) کاربرد میزان در قرآن

لفظ میزان در قرآن با این که یک معنا بیش ندارد و آن همان وسیله ی سنجش است، کاربرد مختلفی دارد که به طور اجمال به آن ها پرداخته می شود.

#### 1- وسیله ی سنجش کالاها و مبادلات مالی

چنان که می فرماید: «وَايَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ»<sup>۴</sup>؛ و ای قوم من! پیمانہ و وزن را با عدالت، تمام دهید!

#### 2- هماهنگی و نظم آفرینش

چنان که می فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»<sup>۵</sup>؛ و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت. طبعاً با توجه به جمله ی «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا» می توان گفت مقصود از میزان همان تنظیم زمین و آسمان است که در پرتو آن تعادل، به وجود آمده و کاخ آفرینش برپا مانده است.

#### 3- تشریح عادلانه ی الهی

چنان که می فرماید: «... وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۶</sup>؛ کتاب و میزان را فرو فرستادیم تا مردم عدل را به پا دارند.

مقصود از میزان به قرینه ی کلمه ی «أَنْزَلْنَا» آن نوع تشریح الهی است که به سان کتاب از جانب خدا فرو فرستاده می شود لکن می توان میزان را به معنی داوری های صحیح عقل و خرد گرفت که آن نیز بسان دیگر رحمت های الهی، از جهان بالا فرو فرستاده شده است.<sup>۷</sup>

1. سوره کهف، آیه 105.

2. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، همان کتاب، ج2، ص 312.

3. عبدالله، جوادی آملی، معاد در قرآن، ج5، همان، ص 204.

4. سوره هود، آیه 85.

5. سوره الرحمن، آیه 7.

6. سوره حدید، آیه 25.

7. جعفر، سبحانی، همان، 465.

### ب) هر چیزی برای خود میزان خاصی دارد.

کلماتی که در قرآن درباره ی اوصاف قیامت وارد شده است مصادیق مختلف و متنوعی دارد که با برخی از آن ها در این جهان آشنا هستیم، ولی نباید آن مصداق را یگانه مصداق و مورد آن دانست. یکی از آن الفاظ همین لفظ «میزان» است. در ابتدا که ترازوی دو کفه ای بود و اطراف آن زنجیرهای بلندی آویزان بود و در رأس آن شاعین قرار داشت؛ سپس به ترازوی دو کفه ای که زنجیر نداشت و پایین آن شاهین بود به همان عنایت اولیه میزان گفتند. و بعد از این به قپان که یک کفه بی شتر نداشت و به با سکول و قپان های اهرمی و فنی به یک منوال و یک عنایت «میزان» گفتند.

همچنین لفظ میزان را برای خصوص وزن اشیاء وضع نکرده اند؛ بلکه میزان یعنی آلت سنجش از هر چه می خواهد بوده باشد؛ بدیهی است که آلت سنجش هر چیزی غیر از اصناف و انواع چیزهای دیگر است.

به آلت سنجش مقدار مصرف کیلو وات برق، کنتور یا میزانیه ی برق گویند؛ یا به آلت سنجش حرارت بدن درجه و ترمومتر گویند؛ یا به آلت سنجش میزان باد، زلزله، و حرارت جو میزانیه گویند.

میزانیه لفظ عامی است که به همه گفته می شود؛ و میزان سنجش هر چیز متنا سب با آن است.

باز ملاحظه می شود که به معیارها و میزان های سنجش معنویات همچون محبت، سخاوت و شجاعت هم میزان می گویند، ولی دیگر آن میزانیه ها جسم نیست و مادی نیست.<sup>1</sup>

با توجه به مطالبی که ذکر شد نباید در تفسیر «میزان» در آخرت شتابزدگی نشان داد و آن را به سان ترازوهای مادی اندی شید و یا آن را به عدل الهی تف سیر نمود، بلکه مقتضای حزم و احتیاط در تبیین معارف این است که بگوییم در سرای دیگر و سیله ی خاصی وجود دارد که اعمال به و سیله ی آن سنجیده شده و پایه ی حسنات از سیئات روشن می گردد، اما یک وسیله ی کاملاً دور از اندیشه های ظاهربین انسان. هر چند واقعیت آن برای انسان ناسوتی که هنوز دریچه ای به جهان غیب به روی او گشوده نشده است روشن نیست.

البته می توان با برخی از آیات و روایات گوشه ای از پرده ی ابهام را کنار زد و به گونه ای با واقعیت میزان اخروی آشنا شد.

به طور مثال خداوند در سوره ی اعراف، آیه ی 7، در ابتدای آیه چنین می فرماید: «وَالْوِزْنُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ...». باید گفت در کلمه ی «وزن» یکی از دو احتمال حاکم است.

<sup>1</sup> . رک، محمد حسین، حسینی طهرانی، معادشناسی، ج8، همان، صص 132-133.

1. مقصود از وزن معنای مصدری آن است یعنی وزن کردن و سنجش اعمال در آن روز حق است در این صورت وزن به معنی «توزین» است.

2. مقصود از وزن همان میزان یعنی و سیله ای که با آن سنجش انجام می گیرد، و به تعبیر عربی «ما یوزنُ به» بنابر احتمال اول آیه، ناظر به قطعی بودن سنجش اعمال است که به سان خود رستخیز حق و پا برجاست، و شک و تردیدی در آن نیست.<sup>1</sup>

و بنابر احتمال دوم آیه ناظر به این است که «حق» و سیله ی سنجش است. به این معنا که هر شخصی پاداش نیکش به مقدار حقی است که عمل او مشتمل بر آن است و هر مقدار عمل سهم بیشتری از حق را داشته باشد به همان مقدار میزان اعمال سنگین خواهد بود و اگر اعمال شخصی، به هیچ مقداری از حق مشتمل نباشد میزان او سبک سبک است و از عملش جز هلاکت و عقاب بهره و ثمر عایدش نمی شود.<sup>2</sup>

در این جا احتمال سومی است و آن این که: مقصود این است که هر عملی که با حق تطبیق کند سنگین تر بوده و غیر آن سبک خواهد بود، در این صورت کیفیت میزان جز تطابق عمل با حق و عدم تطابق آن، معنی دیگری نخواهد داشت.<sup>3</sup>

نتیجه اینکه، مراد از میزان اعمال در روز قیامت نمونه ی کامل حُسن و تقوا و صبر و ایثار و جهاد و ورع و عدالت و عبودیت و یقین و توحید در هر امتی از امت های گذشته، پیامبر آنان، و وصی آن پیامبر است.

و در این امت آخر الزمان وجود مقدس رسول اکرم و حضرت صدیقه ی اطهر فخر بانوان عالم سیده زینب العابدین و او صیای دوازده گانه آن پیامبر مکرم است که اول آن ها حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و بعداً یازده فرزند یکی پس از دیگری است که آخرین آن ها حضرت قائم آل محمد حجه بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد؛ وجود آنان و توحید و عبادت و جهاد و انفاق و صفات نفا سانیه و عقائد و ملکات همه و همه میزان و معیار برای تشخیص مقدار صفات حسنه از امت آخر الزمان است.<sup>4</sup>

در زیارت مخصوص امیرمؤمنان (علیه السلام) که تجسم حق است، مقیاس سنجش اعمال بوده و هر کس به اندازه ای که به او شباهت دارد وزن و سنگینی دارد، و هر کس از او بیگانه است، کم وزن و بی ارزش است.

1. رک، جعفر، سبحانی، همان، ج 5، صص 467-468.

2. رک، محمدحسین، طباطبایی، تفسیرالمیزان، همان، ج 8، ص 14.

3. جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج 5، همان، ص 469.

4. محمد حسین، حسینی طهرانی، معاد شناسی، ج 8، همان، ص 134.

## روایات میزان و نکات برجسته

از روایاتی که درباره ی میزان وارد شده نکات برجسته ای در زمینه های عقیده، اخلاق و اعمال و سبکی و سنگینی اشیایی استفاده می شود؛ مانند:

1 - سنگین ترین چیز در دنیا و آخرت الله تبارک و تعالی است و هیچ ارزشی به پایه ی سنگینی خداوند نیست. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ ثَقُلَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَثَقْلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ اللَّهَ خَفَّفَ الْا شَرَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَخَفْتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!» خداوند بر اهل دنیا سنگین است، مانند سنگینی او در روز قیامت در میزان ایشان و همانا خداوند شر را بر اهل دنیا سبک شمرد مانند سبک بودن آن در روز قیامت در میزان هایشان.»

تذکر: سنگینی «الله» یعنی عظمت توحید، به لحاظ وجود عینی و بزرگی اعتقاد آن به لحاظ علمی.<sup>۲</sup>

اسباب سنگینی میزان اعمال از نکات برجسته ی دیگر در روایات است.

2 - محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق (علیهم السلام) نقل می کند: «مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنْ الرَّجُلُ لِيُوضَعَ عَمَلُهُ فِي الْمِيزَانِ فَيَمِيلُ بِهِ فَيَخْرُجُ الصَّلَاةُ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيُرَجَّحُ»<sup>۳</sup>؛ در میزان قیامت چیزی سنگین تر از نماز و صلوات به نیت محمد و آل محمد (علیهم السلام) نیست. همانا اعمال انسان در قیامت وقتی در میزان گذاشته می شود به سمت سبکی میل می کند. ناگهان صلوات فرا می رسد و چون در میزان نهاده شود سبب ترجیح کفه ی کردار نیک او می گردد.»

3 - امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، شَهَادَتَانِ تَرْفَعَانِ الْقَوْلَ وَتَضَاعِفَانِ الْعَمَلَ، خَفَّ مِيزَانُ تَرْفَعَانِ مِنْهُ، وَثَقُلَ مِيزَانُ تَوَضَّعَانِ فِيهِ»<sup>۴</sup>؛ اگر شهادتین از میزان از سان کنار رود آن ترازو سبک گشته و اگر در آن نهاده شود سنگین می گردد.»

4 - خیر و خیرخواهی سبب سنگینی میزان و شرّ سبب سبکی میزان است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ الْخَيْرَ ثَقُلَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ ثِقَلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ

1. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، نورالثقلین، همان، ج 5، ص 659.

2. عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، ج 5، همان، ص 205.

3. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، همان، ص 659.

4. حدیث 8.

الْقِيَامَةِ وَإِنَّ الشَّرَّ خَفَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى قَدْرِ خَفَّتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۱</sup> خیر و خیرخواهی سنگین است بر اهل دنیا به میزان سنگینی اش در میزان هایشان روز قیامت و همانا شر سبک است بر اهل دنیا به مقدار سبکی اش در میزان هایشان در روز قیامت».

5- ذکر شریف «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سبب سنگینی میزان است.<sup>۲</sup>

عن الح سن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) عن النبی (صلى الله عليه و آله) حديث طويل في تف سير « سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر» و فيه قال النبی (صلى الله عليه و آله) «و قَوْلُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَعْنِي وَحْدَانِيَّتَهُ - لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا أَعْمَالَ إِلَّا بِهَا وَ هِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى يُنْقَلُ اللَّهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».<sup>۳</sup>

6- عواملی که موجب ثقل میزان در قیامت است ذکر شد در مقابل عواملی مانند ظاهرسازی و ریاکاری، در قیامت مایه ی سبک وزنی اعمال انسان است. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ»؛ کسی که ظاهرش ترجیح دارد بر باطنش سبک می گردد میزانش».

7- سنگینی میزان و سبکی آن در قیامت معیار کرامت و لثامت انسان در معاد است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: « سلمان رحمه الله در جواب مردی گفت: «... فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَتِ الْمَوَازِينُ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ الْكَرِيمُ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ اللَّيِّيمُ»؛<sup>۴</sup> پس زمانی که روز قیامت برپا گردید و میزان ها نصب شد هر کس که میزانش سنگین شد او فرد کریمی است و هر کس که میزانش سبک شد او فرد پست و لثیمی است».

### شهود و گواهان در روز قیامت

یکی از مباحث قیامت که به تبع بحث از ح سابری در مواقف و دادگاه های قیامتی پیش می آید و مطرح می گردد، بحث از شهود و گواهان قیامت است.

بالاخره هر دادگاهی شهود و گواهانی هم دارد که باید بیابند و به نفع و یا به ضرر متهم شهادت بدهند. دادگاه قیامت هم مستثنی نیست. لذا قرآن یکی از او صاف و عناوین قیامت را «يَوْمَ

1. همان، حدیث 10.

2. عبدالله، جوادی آملی، معاد در قرآن، ج5، همان، ص 206.

3. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، نورالثقلین، ج5، همان، ص 659.

4. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، نورالثقلین، ج5، همان، ص 660.

5. همان.

يَقُومُ الشَّهَادِ»<sup>۱</sup> معرفی کرده است. یعنی قیامت روزی است که شاهدان و گواهان برای شهادت به پا می خیزند.

گواهان روز رستاخیز به دو گروه تقسیم می شوند:

1 - شاهدان عینی خارجی (خدا، پیامبران و ...)

2 - گواهان داخلی (اعضای بدن مجرم)<sup>۲</sup>

نخست به تبیین شاهدان خارجی پرداخته می شود که در آیات قرآنی به آن ها اشاره شده است.

### 1 - خداوند بزرگ

نخستین شاهد بر کردارهای انسان خدای بزرگ است، که چیزی بر او در جهان پنهان نیست. چنان که می فرماید: «... لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup>؛ چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید!

البته شهادت خداوند، مهم ترین و فراگیرترین شهادت ها است. چنان چه قرآن می فرماید: «...»

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ<sup>۴</sup>؛ خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است.

در آیه ای دیگر چنین آمده است: «... فَأَلَيْنَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ»<sup>۵</sup>؛ بازگشتشان به سوی ماست سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است.

خیلی عجیب است، دادگاهی که حاکمش خدا و شاهد و گواهِش نیز در درجه ی اول ذات پاک اوست آیا ممکن است چیزی در آن مورد غفلت قرار گیرد و در حساب نیاید.<sup>۶</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم در یک جمله ی تکان ده نده ای در «نهج البلاغه» می فرماید: «اتَّقُوا مَعَ صِيِّ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ شَهِيدٌ هُوَ الْحَاكِمُ»<sup>۷</sup>؛ از گناه کردن در خلوت ها بپرهیزید. چرا که کسی دارد شما را می بیند که خودش قاضی و حاکم دادگاه است.

### 2 - پیامبران الهی

1. سوره غافر، آیه 51.

2. جعفر، سبحنی، منشور جاوید، ج 5، همان، ص 479.

3. سوره آل عمران، آیه 98.

4. سوره حج، آیه 17.

5. سوره یونس، آیه 46.

6. ناصر، مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 6، همان، ص 150.

7. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت 324.

قرآن به رو سنی یادآور می شود که روز قیامت فردی از هر امت بر اعمال آنان گواهی می دهد چنان که می فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»؛ حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟».

البته در آیه ی فوق این نکته با صراحت ذکر نشده که گواهی هر امتی پیامبر آن ها است. ولی قرائن نشان می دهد که مطلب همین است. زیرا پیامبر هر امت شایسته ترین کسی است که گواهی بر امت خویش دهد.

و نیز در آیه ت صریح نشده که منظور از «هؤلاء» دقیقاً کیانند؟ و لذا مف سران دو احتمال ذکر کرده اند: بعضی گفته اند اشاره به امت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که آن حضرت در قیامت شاهد و گواه بر آنان خواهد بود، صالحان امت را معرفی می کند و مجرمان و تکذیب کنندگان را نیز معرفی خواهد کرد.<sup>۲</sup>

ولی بسیاری از مفسران گفته اند که «هؤلاء» اشاره به جماعت انبیاء است که در جمله ی قبل به آن اشاره شده است و به این ترتیب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) گواه، گواهان و شاهد شاهدان است.

در این که شهادت انبیاء (علیهم السلام) بر امت ها یا شهادت رسول الله بر انبیاء چگونه خواهد بود با اینکه معنی «شهود» آگاهی توأم با حضور است، و هر یک از انبیاء و همچنین شخص پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در یک محدوده ی خاص زمانی در میان امت خود بوده اند، ممکن است از این جهت باشد که روح آن ها در علم برزخ نیز ناظر احوال امت ها است. و این منافات با آیه ی 117 سوره ی مائده که از زبان حضرت مسیح می گوید: «كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ لَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ»؛ من تا آن زمان که در میان آن ها بودم، شاهد اعمال آن ها بودم، ولی هنگامی که مرا بازگرفتی تو مراقب آنان بودی»، ندارد، زیرا به نظر می رسد که شهادت در این آیه به معنی حضور توأم با مراقبت و جلوگیری از انحراف است نه فقط مسأله ی گواهی و حضور (دقت فرمایید).

1. سوره نساء، آیه 41.

2. ابوعلی، الفضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، ج3، همان، ص 49.

در مورد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز ممکن است حضور روح مقدسش در طول تاریخ بشریت سبب این آگاهی و حضور بوده باشد.<sup>۱</sup> همان گونه که در روایات آمده است: «اولین مخلوق خدا نور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود».<sup>۲</sup>

### 3 - ائمه معصومین (علیهم السلام)

قرآن کریم در این باره می فرماید: «... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»<sup>۳</sup>؛ آیین اسلام مانند آیین پدر شما ابراهیم خلیل (علیه السلام) است، که خدا از پیش، شما امت را در صحف او و در این قرآن مسلمان نامیده، تا رسول برای شما و شما برای سایر خلق گواه باشید». در ذیل این آیه روایات فراوانی درباره ی گواه بودن پیامبر و ائمه (علیهم السلام) وجود دارد؟ مانند:

امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

«فَرَّ سَوْءُ اللَّهِ صِ الْأَشْهَادُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغْنَا عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ نَحْنُ الْأَشْهَادُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَقْنَا وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَا»<sup>۴</sup>؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گواه بر ما است در آنچه از جانب خدا به ما رسانده و ما گواهان مردم در روز قیامتیم، پس کسی که روز قیامت را تصدیق کند او را تصدیق خواهیم کرد و کسی که آن را تکذیب کند تکذیبش خواهیم کرد».

### 4 - فرشتگان ناظر بر اعمال

«وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ»<sup>۵</sup>؛ هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است».

«سائق» او را به سوی دادگاه عدل الهی می راند و سوق می دهد و «شهِيد» بر اعمال او گواهی می دهد. گرچه در آیه تصریح نشده که این «سوق دهنده» و «شاهد» از فرشتگان است یا غیر آن ها؟ و اگر فرشته است کدام یک از فرشتگان الهی است؟ ولی قرائن نشان می دهد که آن ها حتماً از فرشتگانند، چرا که مناسبت ترین افراد برای این مأموریت بزرگ آنها می باشند، و

1 .. رک، ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج3، همان، ص 498.

2 . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج15، همان، ص 4.

3 . سوره حج، آیه 78.

4 . عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، نورالثقلین، ج3، همان، ص 521.

5 . سوره ق، آیه 21.

مناسب این است که همان دو فرشته ی مأمور ثبت «حسنات» و «سیئات» باشند که از همه ی فرشتگان از اعمال آدمی آگاهترند.<sup>1</sup>

در نهج البلاغه آمده که امام، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از ذکر آیه ی مذکور فرمود: «سَائِقٌ يَسُوقُهَا إِلَىٰ مَحْشَرِهَا وَ شَاهِدٌ يَشْهَدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا»؛ راننده ای او را به سوی محشر می راند و شاهدی بر اعمال او گواهی می دهد.<sup>2</sup>

### 5- زمین یا مکان انجام عمل

یکی از گواهان نقطه ای است که کار خوب یا بد در آن انجام می گیرد. قرآن در این مورد می فرماید: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا \* بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا»<sup>3</sup>؛ در چنین روزی زمین از حوادثی که در آن رخ داده خبر می دهد، زیرا پروردگارش به او وحی نموده و او را آگاه ساخته است.<sup>4</sup>

در اینکه زمین چه چیز را خبر می دهد در آیه مطلبی ذکر نشده است ولی با توجه به اینکه آیه ناظر به برانگیخته شدن انسان ها در قیامت می باشد و این که آنان کردارهای خود را خواهند دید، روشن می شود که اخبار زمین مربوط به کارهایی است که انسان ها، روی آن انجام داده اند، خواه کارهای نیک و خواه کارهای بد.

ناگفته پیداست که همه ی اجزای زمین بر افعال یک انسان گواهی نمی دهند. بلکه نقطه ای که انسان در آن کار نیک و بد انجام داده است، همان نقطه به شهادت برمی خیزد، و روایات نیز بر این مطلب گواهی می دهند.<sup>5</sup>

شخصی از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد:

«يُصَلِّي الرَّجُلُ نَوَافِلَهُ فِي مَوْضِعٍ أَوْ يُفَرِّقُهَا فَقَالَ لَا بَلَّ يُفَرِّقُهَا هَاهُنَا وَ هَاهُنَا فَإِنَّهَا تَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛<sup>6</sup> از سان نوافل خود را در یک مکان بخواند یا در مکان های مختلف؟ حضرت فرمود: بلکه این جا و آن جا، در مکان های مختلف که در روز قیامت زمین به نفع او شهادت می دهد.<sup>7</sup>

بنابراین در این که از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی، یکی از شاهدان در قیامت، مکان انجام گرفتن عمل است جای تردید نیست. آنچه در این جا توجه انسان را به خود جلب

1. رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 22، همان، ص 258.

2. نهج البلاغه، خطبه ی 85.

3. سوره زلزال، آیات 4-5.

4. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج 5، همان، صص 489 - 488.

5. محمد بن حسن، حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 5، چاپ سوم، بیروت، موسسه ی ال بیت (علیهم السلام)، 1424 ق، ص 186.

می کند این است که مکان فاقد حس و ادراک است چگونه می تواند اعمال انسان را درک نماید، و در سرای دیگر بر آن ها گواهی دهد؟ ولی پاسخ این است که این نوع آیات و روایات و نیز آیات و روایات دیگر از این قبیل ما را به یک حقیقت رهنمون می گردند و آن اینکه تمام موجودات از نوعی ادراک برخوردارند، و میزان درک و آگاهی آن ها، بستگی به میزان درجه ی وجودی آن ها دارد چنان که قرآن کریم در جای دیگر می فرماید: «... وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» ... ؛ هیچ موجودی نیست مگر اینکه خدا را تسبیح می گوید ولی شما تسبیح آنان را درک نمی کنید».

این مطلب از نظر مبانی حکمت متعالیه در فلسفه ی اسلامی امری مسلم و غیر قابل تردید است و این خود از امتیازات و شگفتی های قرآن است که از یک واقعیت بسیار دقیق پرده برداشته است آن هم در زمانی که فکر و اندیشه ی بشر کمترین توجهی به این نوع مطالب دقیق نداشته است.<sup>۲</sup>

## 6 - شهادت زمان یا گردش شب و روز

اگر مکان به حکم آیات قرآن بر اعمال انسان گواهی می دهد، زمان و روز و شب نیز به انسان مکان گواهی خواهند داد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ لِيُقَالَ لَكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ لَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ لَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَافْعَلْ بِي خَيْرًا أَوْ اْعْمَلْ خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي أَبَدًا وَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ<sup>۳</sup>؛ روزی بر پسر آدم نمی گذرد، مگر این که آن روز، به او می گوید: ای پسر آدم، من روز جدیدی هستم و بر تو شاهد و گواهم. پس به و سیله ی من نیکی کن و در من کار خیر انجام بده تا روز قیامت برای تو شهادت دهم؛ زیرا بعد از امروز هرگز مرا نخواهی دید. شب هم که فرا می رسد، همین را می گوید».

## 7 - قرآن

از برخی از روایات استفاده می شود که قرآن در روز رستاخیز، به صورت انسانی مجسم می شود و خدا به او خطاب می کند بندگان مرا چگونه دیدی؟ (با تو چگونه رفتار کردند؟) او در پاسخ می گوید: پروردگارا گروهی از آنان مرا حفظ کرده و چیزی از من ضایع نکردند، و برخی از آنان

1. سوره اسراء، آیه 44.

2. جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ج 5، همان، ص 490.

3. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج 7، همان، ص 325.

مرا ضایع نمودند، حق مرا سبک شمرده و به تکذیب من برخاستند، و من حجّت تو بر تمام خلق می‌باشم، در این هنگام خطاب می‌آید؛ به عزّت و جلالم سوگند و به خاطر تو گروه نخست را به بهترین پاداش و گروه دیگر را به عذاب دردناک کیفر خواهم داد.<sup>1</sup>

### 8- نامه ی اعمال

یکی از گواهان در روز محشر خود نامه ی اعمال است، که در آن خوبی‌ها و بدی‌ها منعکس می‌باشد و قرآن در آیات مختلفی به وجود چنین صحیفه ای تصریح می‌نماید، آن‌جا که می‌فرماید: «...قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ»<sup>2</sup>؛ بگو: «خداوند سریعتر از شما مکر [چاره‌جویی] می‌کند و رسولان [فرشتگان] ما، آنچه نیرنگ می‌کنید (و نقشه می‌کشید)، می‌نویسند».

در این آیه هر چند سخن از نگارش سخنان و یا اعمال آشکار و پنهان افراد است و به گواهی دادن آن در روز قیامت اشاره ای نشده است ولی به طور مسلم این نگارش به خاطر احتجاج با آن است.<sup>3</sup>

شگفت این جاست که صحیفه ای اعمال آن چنان کارهای ریز و درشت را ضبط کرده است که فرد مجرم از ضبط آن انگشت حیرت‌به‌دندان گرفته می‌گوید: «هَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا»<sup>4</sup>؛ این چگونه کتابی است که هیچ ریز و درشتی را فروگذار نکرده و همه را برشمرده است...».

هر یک از شاهدان و گواهان در قیامت، موقعیت ویژه ای دارد، موقعیت نامه های اعمال این است که با توجه به علم و بصیرتی که در سرای دیگر برای انسان گنهکار حاصل می‌شود به گونه ای که با دیدن پرونده ی عمل بر همه ی کارهای ناروایی که در دنیا انجام داده است آگاه می‌گردد، در این حالت اگر به وجدان خود رجوع کند و خود بخواهد بر اساس عدل و انصاف در مورد خود داوری کند، پرونده ی عمل او بهترین گواه و شاهد برای او به شمار می‌رود.<sup>5</sup>

اما در روایت است که: «در قیامت وقتی اعمال گروهی بدان‌ها عرضه می‌شود با انکار گویند: ما هیچ یک از این‌ها را انجام نداده ایم. در این حال فرشتگانی که مأمور نوشتن اعمالشان بودند علیه آنان گواهی می‌دهند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «پس آنان به خداوند گویند:

1. همان، ص

2. سوره یونس، آیه 21.

3. رک، جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج 5، چاپ اول، قم، مؤسسه ی امام صادق (علیه السلام)، 1383، ص 492.

4. سوره کهف، آیه 49.

5. رک، جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج 5، همان، ص 494.

این ها فرشتگان تو هستند و به سود تو گواهی می دهند، آن گاه به خدا سوگند یاد می کنند که چنین کاری انجام نداده اند. این گروه کسانی هستند که حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) را غصب کردند. در این هنگام خداوند بر زبان های شان مهر سکوت می گذارد و اندام هایشان را گویا می سازد، از این رو گوش به آنچه شنیده از محرمات الهی گواهی می دهد، چشم به آنچه از محرمات الهی نظر افکنده شهادت می دهد، دست به آنچه گرفته و پا و دامن به آنچه از محرمات به جا آورده گواهی می دهند. در این هنگام که مهر از زبان برداشته می شود به پوست بدن هایشان می گویند: شما چرا علیه ما شهادت دادید.<sup>1</sup>

بنابراین مراحل شهادت به قرار زیر است:

1. نامه ی اعمال 2. گواهی فرشتگان پس از انکار نامه ی اعمال؛ 3. گواهی اعضا پس از تکذیب فرشتگان.

تا این جا شاهدان خارجی از نظر قرآن و روایات بررسی گردید. حال به بررسی گواهان داخلی پرداخته می شود.

### 9- گواهی اندام ها

اعضا و جوارح انسان به عنوان شاهد مباشر به حساب می آیند و در صحنه ی قیامت به ادای شهادت می پردازند: «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>2</sup>؛ در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد». همچنین می فرماید: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>3</sup>؛ امروز بر دهان شان مهر می نهیم، و دستهای شان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند».

امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

«وَلَيْسَتْ تَشْهَدُ الْجَوَارِحُ عَلَىٰ مُؤْمِنٍ إِنَّمَا تَشْهَدُ عَلَىٰ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيُعْطَىٰ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»<sup>4</sup>؛ جوارح انسان مؤمن علیه او شهادت نخواهند داد. همانا جوارح کسی علیه او شهادت می دهند که عذاب الهی درباره ی او حتمی باشد؛ زیرا مؤمن نامه

1. رک، علی بن ابراهیم القمی، همان کتاب، ج2، ص 216.

2. سوره نور، آیه 24.

3. سوره یس، آیه 65.

4. سوره اسراء، آیه 71.

ی کردارش به دست راستش داده می شود (کسانی که نامه ی اعمال آنان به دست راست آنان داده می شود اهل نجاتند)»<sup>1</sup>.

امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «مهر بر دهان ها گذاشته می شود پس سخن نمی گویند، و دست ها به سخن آیند، پاها شهادت دهند، پوست بدن ها به سخن آیند و درباره ی کردار آنان گواهی دهند و هیچ سخنی از خدا پو شیده نخواهد ملند: «خُتِمَ عَلَيَّ لِلأَفْوَاهِ فَلَا تَكَلِّمُ وَقَدْ تَكَلَّمْتُ لِلْيَدِي وَ شَهِدَتِ للأَرْجُلُ وَ نَطَقَتِ الجُلُودُ بِمَا عَمِلُوا فَ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا»<sup>2</sup>.

آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

«پس از آن که مهر بر دهانشان زده شد و دست ها، پاها و پوست بدن هایشان علیه آنان شهادت دادند و هر کدام هر مع صیتی کرده بودند بازگفتند، مهر از دهان شان بردارند، در این هنگام زبانشان به سخن آید و با شگفتی به پوست بدنشان گوید: «لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ»<sup>3</sup>؛ «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق در آورده ما را گویا ساخته است»<sup>4</sup>.

1. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، همان کتاب، ج 2، ص 32.

2. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، همان کتاب، ج 4، ص 391.

3. سوره فصلت، آیه 21.

4. عبد علی بن جمعه، عروسی حویزی، همان کتاب، ج 4، ص 392.

### نتیجه‌گیری

«قیامت» یا روز رستاخیز و برانگیخته شدن پس از مرگ، امری مسلم و از ضروریات دین است، که در آن روز سرنوشت اعمال انسان مشخص می‌گردد و عده گاهی حتمی برای انسان‌هاست. البته عالم قیامت دارای مراحل و عقبات متعدد است و این موضوع از جهت این که می‌تولند موجب جلوگیری از کج روی‌ها و انحرافات اخلاقی در فرد و جامعه گردد و در یک کلام مربی و مهذب فرد و جامعه‌ی انسانی باشد پس بحث از آن ضروری است.

از امور مربوط به روز رستاخیز، مسأله‌ی «میزان» است و اینکه اعمال انسان‌ها از خوب و بد «توزین» می‌شوند، وجود میزان در سرای دیگر مورد تنصیح وحی و مورد اتفاق متکلمان و احادیث اسلامی می‌باشد، از این جهت اعتقاد به اصل میزان در سرای دیگر قابل انکار نیست. با توجه به اینکه اعتقاد به معاد و قیامت جزء یکی از مسائل مسلم اعتقادی مسلمانان است، مقاله حاضر می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد و نقش بسزایی در افزایش ایمان و عمل صالح و غفلت‌زدایی داشته باشد و همچنین زمینه را برای تحقیقات گسترده‌تر پژوهشگران فراهم نماید.

## منابع

✽قرآن کریم

✽نهج البلاغه

1. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، جلد 4 و 5، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء، 1380.
2. حسینی طهرانی، محمد حسین، معاد شناسی، جلد 8، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، 1417 ق.
3. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، جلد 5، چاپ اول، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، 1383.
4. طباطبائی، محمدحسین، انسان از آغاز تا انجام، قم: موسسه بوستان کتاب، 1388.
5. \_\_\_\_\_، تف سیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، جلد 18، 8، 2، چاپ بیست و هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1388.
6. الطبرسی، ابو علی الفاضل بن الحسن، مجمع البیان، جلد 9، 5، 3، 2، 1، چاپ اول، بیروت: الامیره، 1430 ق.
7. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، محقق: هاشم رسولی محلاتی، جلد 4، 5، 3، 2، 1، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، 1415 ق.
8. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، مترجم: جمعی از فضلاء با نظارت استاد عقیقی بخشایشی، جلد 1 و 3، چاپ دوم، قم: دفتر نشر نوید اسلام، 1386.
9. فیض کاشانی، محمد محسن، علم الیقین، جلد 2، بی جا: انتشارات بیدار، بی تا.
10. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، جلد 1، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، 1377 ش.
11. \_\_\_\_\_، قاموس قرآن، جلد 7، 6، 5، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1371 ش.
12. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، جلد 1، بی جا: فراهانی، بی تا.
13. \_\_\_\_\_، منازل الآخره، چاپ دوم، قم: انصاری، 1379.
14. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، جلد 1 و 2، قم: انتشارات کتاب فروشی علامه، 1387.
15. مجل سنی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد 6 و 7 و 8 و 15 و 27 و 37، چاپ سوم، بیروت: دار الاحیاء التراث، 1403 ق.
16. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، جلد 6، چاپ هفتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1386.
17. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، جلد 2 و 3 و 13 و 22 و 26، چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1370.